

تفاوت نگرش مردم با کارشناسان نسبت به حفاظت و تغییر معماری تاریخی

محمود پورسراجیان^{۱*} - علیرضا عینی فر^۲ - پیروز حناچی^۳

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استاد گروه معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استاد گروه مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰ تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

چکیده

معماری تاریخی به عنوان تجسم ارتباط انسان‌ها با فضای معماری در طول تاریخ، دارای ارزش‌هایی است که آن را از دیگر فضاها متمایز می‌کند. از سوی دیگر، زنده ماندن فضای معماری در زمان، در گرو تغییر آن می‌باشد؛ البته تغییری که ارزش‌های آن را نیز حفظ نماید. مردم عادی نیز به عنوان اصلی‌ترین مدرکین تاریخی بودن فضا به عنوان یکی از ابعاد کیفیت محیط در طول زمان، اصلی‌ترین حافظین محیط تاریخی در تغییرات می‌باشند. با این وجود، تاکنون ارزش‌ها و معیارهای حفاظت و تغییر، در نگرش علمی و کارشناسانه و با فرض یکسان بودن با نگرش مردم و یا دربرگیرنده آن، تعریف شده است. مقاله پیش‌رو، با بیان ارزش‌های معماری تاریخی از دید مردم؛ توصیف سیاست‌ها و معیارهای حفاظت و تغییر از دید آن‌ها؛ پرسش اصلی خود مبنی بر «تفاوت نگرش مردم نسبت به حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی با نگرش غالب کارشناسان در چیست؟» را مورد کنکاش قرار داده است و فرض کفایت و جامعیت نگرش کارشناسانه را به چالش می‌کشد. در این راستا، مقاله پیش‌رو، با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا و شیوه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۴ نفر از اهالی محلاتی از هسته تاریخی یزد به یافتن پاسخ سؤال اصلی مبنی بر نگرش مردم نسبت به ارزش‌های معماری تاریخی، و سیاست‌ها و معیارهای حفاظت و تغییر آن، پرداخته است. یافته‌ها تفاوت‌های اساسی را بین نگرش مردم و نگرش کارشناسانه کنونی برای تعریف و اعمال حفاظت و تغییر معماری تاریخی، اعم از نوع ارزش‌های اطلاق شده به معماری تاریخی، سیاست‌های حفاظت و تغییر، و معیارهای آن‌ها نشان می‌دهد. منشأ اصلی آن‌ها، تفاوت مفهوم ارزش روز و انگیزه برای حفاظت از معماری تاریخی در زمان، در بین این دو نگرش است. این تفاوت‌ها عدم جامعیت نگرش کنونی و لزوم اعمال نگرش مردم عادی در حفاظت و تغییر فضای تاریخی به عنوان مکمل و رجحان آن تأکید دارد.

واژگان کلیدی: ارزش‌های معماری تاریخی، حفاظت و تغییر معماری تاریخی، معیارهای حفاظت و تغییر، مردم.

۱. مقدمه

فضاهای معماری تاریخی زیرمجموعه آن، ارزشی در قبال ابعاد مختلف توسعه به دست می‌آورد. از دهه ۷۰ میلادی به بعد بر مفهوم «میراث فرهنگی» تأکید شد. میراث به عنوان اساس زمان حال، سکوی پرتابی برای آینده، همراه با نسل زمان حال به عنوان متولیان آن و به عنوان منبعی دارای کارکرد در قبال نیازهای زمان حال تفسیر می‌شود (رادول، ۱۳۹۳). این کارکرد در قبال سیاست‌های توسعه‌ای در مقیاس شهر، با عنوان کلی «ارزش روز» به معماری تاریخی اطلاق شد. در دهه ۷۰ بر ارزش‌های اجتماعی و در دهه ۸۰ بر قابلیت‌های اقتصادی میراث تأکید شد. البته در دهه ۹۰، در واکنش به انتقادات صورت‌گرفته، تلاش‌هایی به منظور حفاظت از محیط‌های تاریخی صورت می‌گیرد و سیاست «بازآفرینی» شکل می‌گیرد (حناچی و فدایی‌نژاد، ۱۳۹۰). در این زمان با رشد اهمیت سیاست‌های گردشگری (Chong & Balasingam, 2019) و هم‌چنین سیاست پایداری (رادول، ۱۳۹۳) - استفاده حداکثری از منابعی که موجود است، به‌جای ایجاد منابع جدید- در مدیریت شهری، توجه بیشتری به بناها و بافت‌های شهری تاریخی، با اضافه شدن کارکردهای اقتصادی بیشتر برای آن‌ها در قبال این دو سیاست، صورت گرفت. سیاست بازآفرینی از راهکار حفاظت در راستای اهداف خود بهره می‌برد. از سویی، با توجه به تناقض‌های موجود بین اهداف سیاست‌های حفاظت و تغییر، در دهه‌های اخیر، یکپارچه‌سازی سیاست‌های تغییر ناشی از بازآفرینی و سیاست حفاظت مدنظر قرار گرفته است، که با رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» تمام اهداف سیاست حفاظت و اهداف توسعه‌ای بازآفرینی را در بر می‌گیرد (Larkham, 1999؛ حناچی و فدایی‌نژاد، ۱۳۹۰) و حفاظت از فضاهای معماری تاریخی و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی آنان را که منجر به ارزشی مضاعف به عنوان ارزش روز در قبال ابعاد توسعه‌ای ذکر شده می‌شود را مدنظر دارد؛ مطرح شده است.

قابل ذکر است که با توجه به اسناد مدیریتی و منشورهای ارائه شده، رویکردهای کنونی بر اساس اهداف اقتصادی و برای رفع ممانعت سیاست حفاظت در قبال سیاست بازآفرینی و یا به طور خوشبینانه، همراه‌سازی سیاست حفاظت با سیاست تغییر، به میراث به عنوان منابع اقتصادی نگریسته‌اند. به گونه‌ای که در برخی از منابع مانند «سند نوزایی»، علنا حفاظت از ساختمان‌های تاریخی به عنوان محدودیت بالقوه در توسعه نام برده شده است (Pendelbury & Strange, 2011) و در نگاهی متعادل‌تر، اسنادی از میراث انگلستان به استفاده خلاقانه از بناهای تاریخی به منظور کارکردهای معاصر اشاره کرده‌اند (English Heritage, 1998; 2008). در این دیدگاه متعادل‌تر، سیاست بازآفرینی حفاظت‌منا شکل گرفته است که در آن از راهکار «انطباق‌پذیری» و استفاده دوباره از ساختمان‌های تاریخی (رادول، ۱۳۹۳) در راستای

فضاهای معماری تاریخی از زمان شکل‌گیری تاکنون در ارتباط با انسان‌ها، دارای ارزش‌هایی شده‌اند که به آنان هویت تاریخی داده است. تاریخی بودن علاوه بر بعد زمانی به بعد زیبایی‌شناسانه این فضاها اشاره دارد که در دو مؤلفه قدمت و منحصر به فرد بودن یا هنری بودن (براندی، ۱۳۹۱) بیان می‌شود. از سوی دیگر، از اوایل قرن بیست و یکم، بر خلاف دیدگاه رایج تا آن زمان، مبنی بر وابسته بودن تعریف و تشخیص میراث به کارشناسان آموزش‌دیده، بر اهمیت تعریف مردم از میراث فرهنگی تأکید شده است (EH, 2000) و میراث موضوعی متأثر از هر دو حوزه کارشناسانه و غیررسمی دانسته شده است (Smith, 2006; Ashworth, Graham, & Tunbridge, 2007). هم‌چنین در ادبیات روانشناسی محیطی، «تاریخی بودن» به خاطر ویژه ساختن فضا و خاطره‌انگیز بودن، خود جزئی از کیفیت‌های خوشایندساز فضا (Nasar, 2011) و در نتیجه انگیزشی برای تمایل مردم به احیای معماری تاریخی (Francaviglia, 1978) است. بنابراین مقاله پیش‌رو، با توجه به اهمیت مشارکت مردم در مدیریت میراث و به عنوان اصلی‌ترین ذی‌نفعان درک‌کننده کیفیت محیط و حافظ آن در زمان، در صدد یافتن پاسخ پرسش کلی «تفاوت نگرش مردم نسبت به حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی با نگرش غالب کارشناسان در چیست؟» می‌باشد. در این راستا، برای یافتن نگرش مردم، پاسخ پرسش «ارزش‌های فضای معماری تاریخی، سیاست‌ها و معیارهای حفاظت و تغییر آن در بیان مردم چیست؟»، با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای عرفی و تلخیصی و شیوه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با بخشی از ساکنان هسته تاریخی شهر یزد، مورد کنکاش قرار گرفته است. سپس یافته‌های این پرسش با ادبیات موضوع حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی که مبین نگرش کارشناسان است، مورد بحث قرار گرفته است.

۲. ادبیات موضوع

در این بخش در قالب ادبیات موضوع، نگرش کارشناسانه به حفاظت و تغییر فضای معماری تاریخی بیان شده است.

۲-۱- سیاست‌های حفاظت و تغییر معماری تاریخی

از نیمه دوم قرن هجدهم به بعد، سیاست «صیانت» از بناهای تاریخی مدنظر قرار می‌گیرد. در قرن بیستم، به تبع جنبش حفاظت مدرن مفهوم حفاظت مطرح می‌شود (صحی‌زاده و ایزدی، ۱۳۸۳) و سیاست حفاظت همراه با تغییر شروع به شکل‌گیری می‌کند. پس از جنگ جهانی دوم، به مقیاس بافت شهری اهمیت داده شد. به موازات سیاست‌های حفاظت، سیاست‌های توسعه‌ای از بازسازی در دهه ۵۰ تا بازآفرینی از دهه ۹۰ به بعد (رابرتز و سایک، ۱۳۹۳)، در مقیاس شهری اتخاذ می‌شود که بالتبع آن

تاریخی، بدان اطلاق شده است. این ارزش از یک جهت در قبال فرهنگ یک جامعه به معماری تاریخی (به عنوان تجسم فرهنگ)، با عنوان معنای نمادین بدان اطلاق می‌شود؛ که این معنا برای انسان متعلق به آن فرهنگ، ارزش هویتی دارد و با عنوان «هویت مکانی»^۲ مطرح می‌شود. از سوی دیگر، به حس‌های ویژه‌ای که از فضا توسط انسان دریافت می‌شود نیز به عنوان داشته فضا و در ذیل مفهوم «روح مکان»^۳ نیز اشاره دارد. همچنین خاطرات جمعی و حافظه تاریخی نیز نوعی ارزش فرهنگی است که در طول زمان در ارتباط با انسان‌ها بر فضا بارگذاری شده است (پورسراجیان، ۱۳۹۴).

ج- ارزش روز

در این چارچوب، ارزش‌های روز عنوان کلی مجموعه‌ای از ارزش‌های معماری تاریخی است که در اثر قرارگیری آن در زمان و مکان حال و در قبال سیاست توسعه‌ای بازآفرینی، بدان اطلاق می‌شود. با توجه به اینکه بازآفرینی در راستای «سرزندگی اقتصادی»^۴ (Doratli, Hoska- ra, & Fasli, 2004) و با صورت‌پذیری توسعه کالبدی، عملکردی و اجتماعی- فرهنگی (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳) شکل می‌گیرد، ارزش‌های روز معماری تاریخی نیز در شکل‌های کلی ارزش کالبدی، ارزش عملکردی، ارزش اجتماعی- فرهنگی و ارزش اقتصادی ارائه می‌شود که در فرایند «مکان‌سنجی اقتصادی» (Altrock & schoon, 2013) شناخته می‌شوند.

اهداف بازآفرینی بهره برده می‌شود و از محدودیت ناشی از سیاست حفاظت می‌کاهد. در این دیدگاه، تغییر بر اساس سیاست بازآفرینی، حتمی در نظر گرفته شده است و سیاست حفاظت به متعادل کردن آن می‌پردازد. در این دیدگاه، حفاظت به معنای فرایند مدیریت تغییر معماری تاریخی در بافت شهری است (English Heritage, 2008).

۲-۲- ارزش‌های معماری تاریخی

معماری تاریخی دارای دو دسته «ارزش‌های فرهنگی» و «ارزش‌های اقتصادی- اجتماعی روز» (Feilden & Jokilehto, 1993) به ترتیب جهت حفاظت و توسعه است. به عبارتی دقیق‌تر، دارای سه دسته «ارزش‌های تاریخی»، «ارزش‌های فرهنگی» و «ارزش‌های روز» (رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۹) است (جدول ۱).

الف- ارزش تاریخی

بر اساس تعریف براندی (۱۳۹۱)، «تاریخی بودن» فضا، ارزشمندی (هنری بودن) و تولید شدن در گذشته را تفهیم می‌کند. هنری بودن معماری تاریخی بر اساس کیفیت‌های کالبدی و عملکردی بدان اطلاق می‌شود. تولید شدن در گذشته نیز بدان معناست که این فضا نماینده و محصول زمان و فضای اجتماعی خاصی است. به طور کلی، ارزش تاریخی به ارزش‌های مترتب بر فضا (کالبد و عملکرد) اشاره دارد.

ب- ارزش فرهنگی

این ارزش در ارتباط انسان‌ها در طول تاریخ با معماری

جدول ۱: ارزش‌های معماری تاریخی

ارزش	تعریف	مؤلفه‌های ارزش
تاریخی	این ارزش مترتب بر فضا (کالبد و عملکرد)، بر اثر هنری بودن فضا و تولید شدن در گذشته، بدان اطلاق می‌شود.	کیفیت‌های کالبدی (ایده، طراحی و غیره) و کیفیت‌های عملکردی
فرهنگی	این ارزش در ارتباط انسان‌ها در طول تاریخ با معماری تاریخی، بدان اطلاق می‌شود.	«معنای نمادین»، «روح مکان»، «هویت مکانی» و «ارزش خاطرات جمعی و حافظه تاریخی»
روز	در اثر قرارگیری معماری تاریخی در زمان و فضای حال و بالفعل شدن فرصت‌هایی ناشی از آن در قبال سیاست بازآفرینی، بدان اطلاق می‌شود.	«ارزش اقتصادی»، «ارزش کالبدی»، «ارزش عملکردی»، «ارزش اجتماعی- فرهنگی»

۲-۳- معیارهای حفاظت و تغییر معماری تاریخی

بر اساس پیشنهاد سیاست حفاظت، اصلی‌ترین معیار در راستای این سیاست، شناخت و حفظ معنای فرهنگی که دربرگیرنده تمامی ارزش‌های هویت‌دهنده به مفهوم معماری تاریخی است، می‌باشد. از سوی دیگر، با

شکل‌گیری مفهوم بازآفرینی با پس‌زمینه توسعه اقتصادی، ایجاد «سرزندگی اقتصادی» به عنوان معیار اصلی بازآفرینی مطرح شده است (Doratli, Hoskara, & Fasli, 2004) که در این راستا «مکان‌سنجی اقتصادی» - که در این فرایند ارزش روز فضا شناسایی می‌شود- صورت خواهد گرفت.

۳. روش‌شناسی

در پژوهش کیفی پیش‌رو، از روش تحلیل محتوا برای یافتن شاخص‌های مردم برای ارزشمند بودن یک معماری تاریخی و سیاست‌ها و معیارهای حفاظت و تغییر استفاده شده است. مصاحبه‌شوندگان از بین ساکنان پنج محله دارالشفاء، وقت‌الساعت، شاه ابوالقاسم، دروازه شاهی و فهادان یزد انتخاب شدند. نحوه انتخاب با نصب پنج بنر در مسیرهای اصلی محلات و دعوت از ساکنان با سکونت بالای ۲۵ سال در محله^۶ برای شرکت در مصاحبه‌هایی که در سه بنای تاریخی پرتدد (مسجد جامع یزد، بقعه سید رکن‌الدین و آستانه مقدس شاهزاده فاضل (ع)) صورت گرفته است. زمان مراجعه به مکان‌های موردنظر و همکاران پژوهشگر دو روز در هفته بعد از نماز مغرب و عشاء اعلام شد. البته در بین دو نماز نیز در دو روز تعیین‌شده، از مردم برای شرکت در مصاحبه دعوت به عمل آمد. در کل ۳۷ نفر شامل ۲۵ مرد و ۱۲ زن حاضر به مصاحبه شدند. تمام مصاحبه‌ها توسط نویسنده مسئول صورت گرفت. اولویت مصاحبه با افرادی بود که مدت زمان بیش‌تری در یکی از محلات سکونت داشته‌اند. اولین نفر مرد ۷۱ ساله بود که از بدو تولد تا زمان مصاحبه در محله دارالشفاء ساکن بود. البته با توجه به طولانی‌شدن مصاحبه‌ها، هشت نفر از افراد در زمان مقرر برای مصاحبه حاضر نشدند.^۷ مصاحبه‌ها تا اشیاع کدهای ارائه‌شده ادامه پیدا کرد. از نفر ۱۲۰ام به بعد اشیاع صورت گرفت^۸ که تا نفر ۱۲۴ام برای اطمینان مصاحبه ادامه پیدا کرد و پنج نفر باقیمانده نیز مورد مصاحبه قرار نگرفتند.

«حفظ و تداوم معنای فرهنگی»

این معیار با شناخت ارزش‌های معماری تاریخی و حفظ و تداوم آن‌ها در زمان صورت می‌پذیرد که در ذیل دو مفهوم «اصالت» و «یکپارچگی» به آن‌ها پرداخته شده است (رادول، ۱۳۹۳؛ حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳؛ حناچی و فدایی‌نژاد، ۱۳۹۰).

«ایجاد سرزندگی اقتصادی»

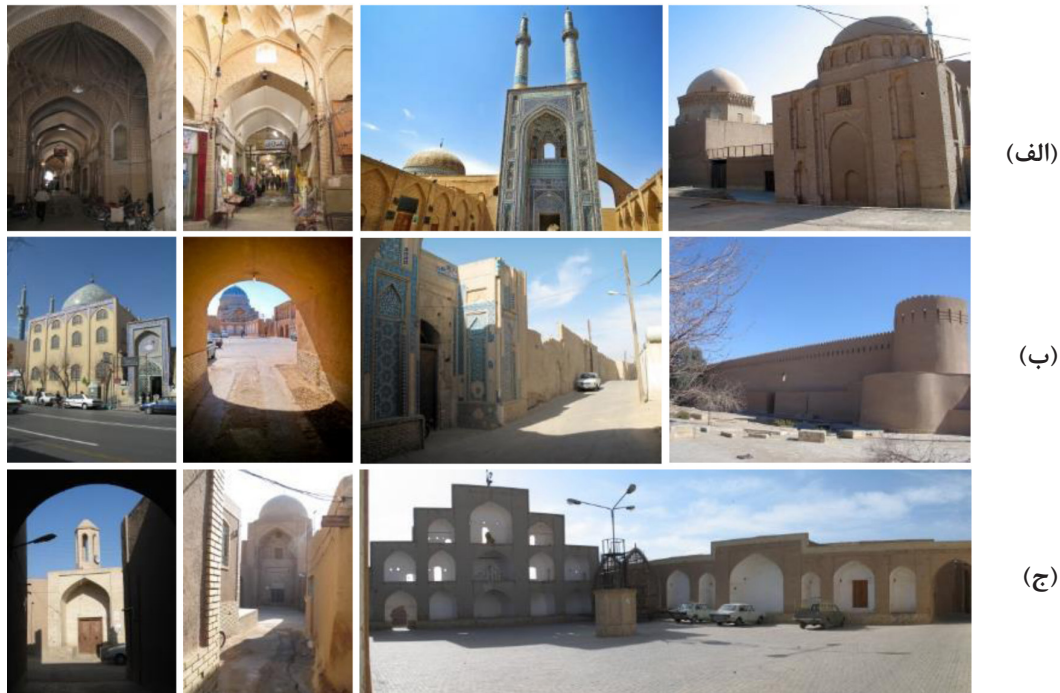
«ایجاد سرزندگی اقتصادی» با توجه به تعریف بازآفرینی شهری و اهداف توسعه‌ای آن، با صورت‌پذیری توسعه کالبدی، عملکردی و اجتماعی- فرهنگی (حناچی و فدایی‌نژاد، ۱۳۹۰)، با به‌کارگیری فضاهای معماری تاریخی بدون تغییر و در صورت لزوم تغییر (معاصرسازی) تحقق می‌یابد.

۲-۴- جایگاه مردم در چارچوب حفاظت و تغییر

بر اساس سیاست‌های حاکم بر چارچوب حفاظت و تغییر، مردم عادی در ذیل مفهوم کلی «مشارکت مردمی»^۹ در شناخت ارزش‌ها و برنامه‌ریزی و مدیریت حفاظت و تغییر دخالت داده شده‌اند.

حدود شش دهه است که در جهان، مقوله مشارکت در مدیریت شهری مطرح شده است. سیاست بازآفرینی نیز به عنوان سیاست توسعه‌ای و راهبر سیاست حفاظت فضای معماری تاریخی، با توجه به توسعه اقتصادی به عنوان هدف اصلی بازآفرینی، از ایجاد سرزندگی اقتصادی به عنوان عامل ترغیب‌کننده مشارکت استفاده کرده است (Li et al., 2020; Simakole, Farrelly, & Holland, 2019; Srijuntrapun, Fisher, & Rennie, 2017; Win-ter, 2014). راهکار دیگر، ایجاد حس تعلق و هویت‌یابی برای ایجاد مشارکت مردمی است (Nan- DCLG, 2009; da & Khare, 2018; Pedeliento & Kavaratzis, 2019; Casais & Monteiro, 2019; Lipovac et al., 2019). از سوی دیگر، تا اواخر قرن ۲۰، بیش‌تر پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان حوزه میراث بر این باور بودند که تشخیص و تعریف میراث به نخبگان و کارشناسان آموزش‌دیده وابسته است. در صورتی که در اوایل قرن ۲۱، بر مشارکت مردم در تمامی مراحل فرایند مدیریت میراث تأکید شده است. مردم محلی، مناطق با شخصیت خاص را مشخص کرده، معنای این مناطق را ارزیابی کرده و هم‌چنین برای برنامه‌ریزی آینده پیشنهادهایی ارائه می‌دهند (Carmona, De Magalhaes, & Natarajan, 2016). در کل، سیاست‌های مدیریتی درصدد است مردم را به عنوان بخشی از تصمیم‌گیرندگان اصلی فضای معماری تاریخی (میراث)، در ارزیابی ارزش‌های محیط تاریخی و برنامه‌ریزی تغییر آن در راستای حفاظت و بازآفرینی دخالت بدهد (Simakole, Farrelly, & Holland, 2019).

شکل ۱: تعدادی از فضاهای معماری تاریخی محدوده مورد مطالعه



(الف) از راست به چپ: بقعه دوازده امام و مدرسه ضیائیه، مسجد جامع یزد، بازار خان، بازار پنجه علی؛ (ب) از راست به چپ: قسمتی از برج و باروی یزد، مدرسه شهاب‌الدین طراز، میدان وقت‌الساعت و بقعه سید رکن‌الدین، آستانه مقدس شاهزاده فاضل (ع)؛ (ج) از راست به چپ: حسینییه شاه ابوالقاسم، مدرسه کمالیه، مسجد چهل محراب

و با نگرش کارشناسانه مورد بحث قرار گرفته است. قابل ذکر است در ارائه کدها، سعی شده است - بر اساس شیوه تحلیل محتوای تلخیصی - بر اساس مفاهیم علمی موجود در ادبیات، نام‌گذاری صورت گیرد. اما در مواردی بر اساس اهمیت نوع بیان مردم، بدون نام‌گذاری و تنها بر اساس تحلیل محتوای عرفی، عبارت اشاره شده توسط مردم، ارائه شده است.

۴-۱- کدهای کیفی

- ارزش فضاهای معماری تاریخی در چیست؟
کدهایی که از طرف مردم به عنوان مؤلفه‌های ارزشمندی فضاهای معماری تاریخی از تحلیل متن‌ها به دست آمد عبارتند از:

منحصر به فرد بودن، زیبایی، متناسب بودن فضاها و عملکردها، قابل تحسین بودن، احساس امنیت، دورهم‌نشینی خانواده‌ها در فضا، قدمت، نمادین بودن، سلسله‌مراتب موجود در فضا، مراسم‌های مذهبی و آیینی برگزار شده در فضا، خاطرات بزرگ‌ترها از فضا، تناسب فضا، هماهنگی، اطلاعات تاریخی در مورد فضا، احساس احترام، فضای جمعی بودن، حضور مردم در فضا، خوانا بودن فضا، بازی بچه‌ها، جمع شدن پیرمردهای محله در فضا، خوشایندی فضا، آرامش فضا، خودمانی بودن، ارتباط داشتن با فضا از کودکی تاکنون و داشتن خاطرات زیاد از آن.

مصاحبه به صورت نیمه‌ساختاریافته و بر اساس سه سؤال کلی «ارزش‌های فضاهای معماری تاریخی کدامند؟»، «در صورت نیاز به تغییر در فضاهای معماری تاریخی، این تغییر با چه هدفی باید صورت بگیرد؟»، «در صورتی که در فضا تغییری صورت گرفته است، آیا مناسب است؟ اگر نیست، چه ارزشی را که برای شما حفظ آن اهمیت داشته است از بین برده است؟»، تنظیم گردید.

این پژوهش در چند مرحله صورت گرفت. ابتدا از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد، فضاهای معماری محدوده خود را که از نظر آن‌ها باید حفظ شوند؛ معرفی کنند. سپس در مصاحبه عمیق از آن‌ها خواسته شد، هر آنچه در مورد این فضاها در حین سؤالات به ذهن‌شان می‌رسد بیان کنند و دریغ نورزند^۹ برای اطمینان از اشباع کدهای ارائه‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان، از افرادی که قادر بودند خواسته شد در فضاهایی که قابلیت داشتند، حضور پیدا کرده و در صورت وجود نکته‌ای دیگر، آن را ارائه کنند. در تحلیل محتوای مصاحبه‌ها مردم به ارزش‌های فضاهای معماری تاریخی و سیاست‌های حفاظت و تغییر آن‌ها اشاره داشتند.

۴. یافته‌ها و بحث

در این بخش، بر اساس کدهای کیفی منتج از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، نگرش مردم نسبت به ارزش‌ها، سیاست‌ها و معیارهای حفاظت و تغییر ارائه شده است

- در صورت نیاز به تغییر در فضاهای معماری تاریخی، این تغییر با چه هدفی باید صورت بگیرد؟

هدف از این سؤال، فهم سیاست تغییر و ارزش روز فضا از دیدگاه مردم است. کدهایی که از طرف مردم ارائه شده است عبارتند از:

عدم تغییر با هدف نگهداشت حس‌های ویژه فضا، تجدید حیات فضا با هدف زنده کردن فضا با کاربری گذشته خود و بازسازی خاطرات گذشته، تغییرات جزئی در راستای رفاه مردم، برگزاری مراسم‌ها و نمایشگاه‌ها در فضا با هدف افزایش حضور مردم، تغییر با هدف حضور گردشگر در فضا.

- در صورتی که در فضا تغییری صورت گرفته است، آیا مناسب است؟ اگر نیست، چه ارزشی را که برای شما حفظ آن اهمیت داشته است از بین برده است؟

هدف از این سؤال، تدقیق سیاست‌های حفاظت و تغییر و اولویت‌های ارزشی مردم در تغییر است. کدهایی که مردم در ارتباط با ارزش‌های از دست رفته فضاهای دچار تغییر

ارائه داده‌اند عبارتند از: کاهش خوشایندی فضا، کاهش آرامش فضا، عدم خودمانی بودن، عدم تناسب فضا و عملکرد، هماهنگی، سلسله‌مراتب موجود در فضا، کاهش ارتباط‌های جمعی در فضا، از بین رفتن تجسم بخشی از خاطرات خود از فضا.

۴-۲- ارزش‌های معماری تاریخی از دیدگاه مردم

بر اساس کدهای ارائه‌شده در پاسخ سؤال اول، در تفسیر مردم از فضاهای معماری تاریخی، ارزش‌های اطلاق شده به فضا را می‌توان در چهار دسته کلی ارزش‌های مترتب بر فضا (کالبد و عملکرد)، ارزش‌های مترتب بر ارتباط انسان‌ها با فضا در طول تاریخ، گره‌های عاطفی بین انسان و فضا و ارزش‌های اجتماعی مترتب بر ارتباط بین فردی دسته‌بندی کرد. دو دسته اول به ارزش‌های گذشته فضای معماری اشاره دارد. دو دسته دوم، به عنوان ارزش‌های حال معماری تاریخی، به ارزش‌های ناشی از تعاملات انسان معاصر با فضا و در فضا اشاره دارد (جدول ۲).

جدول ۲: ارزش‌های معماری تاریخی از دیدگاه مردم

ارزش	تعریف	مؤلفه‌های ارزش
ارزش تاریخی	کیفیت‌هایی مترتب بر کالبد و عملکرد فضا که در ارتباط انسان معاصر با آن شناسایی می‌شود.	زیبایی، تناسب فضا، متناسب بودن فضاهای و عملکردها، خوانابودن فضا، هماهنگی، سلسله‌مراتب موجود در فضا
ارزش فرهنگی	ارزش‌هایی که بر اثر تعامل انسان‌ها با فضا در طول تاریخ، بدان اطلاق می‌شود.	نمادین بودن، خاطرات بزرگ‌ترها از فضا، اطلاعات تاریخی در مورد فضا
گره‌های عاطفی	حس‌هایی که در ارتباط انسان و فضا در زمان معاصر شکل گرفته است.	خوشایندی فضا، آرامش فضا، خودمانی بودن، منحصر به فرد بودن، قابل تحسین بودن، احساس امنیت، قدمت، نمادین بودن، احساس احترام، ارتباط داشتن با فضا از کودکی تاکنون و داشتن خاطرات زیاد از آن
ارزش اجتماعی	ارتباط‌های بین فردی که به نوعی منجر به گره عاطفی با فضا شده است.	فضای جمعی بودن، مراسم‌های مذهبی و آیینی برگزارشده در فضا، حضور مردم در فضا، دورهم‌نشینی خانواده‌ها در فضا، بازی بچه‌ها، جمع شدن پیرمردهای محله در فضا

تاریخ

فضا، در ذیل توسعه اجتماعی مدنظر قرار گرفته است. تفاوت دیگر، در مفهوم «روح مکان» به عنوان حس‌های ویژه فضا است. بر اساس تعریف علمی و کارشناسانه، روح مکان، حس کلی مجموع ارزش‌های کالبدی و نمادین (تاریخی و فرهنگی) به دست آمده از یک محیط طبیعی و یا فرهنگی است که به طور یکسان و به سادگی توسط ساکنان و بازدیدکنندگان قابل درک است. اما در نگرش مردم، حس‌های ویژه فضا (گره‌های عاطفی) علاوه بر حس‌های ناشی از ارزش‌های گذشته، حس‌های ناشی از تعامل شخصی با فضا و تعاملات بین فردی در فضا را نیز

ارزش‌های تاریخی و فرهنگی ارائه شده توسط مردم در کل با ارزش‌های تاریخی و فرهنگی کارشناسانه تفاوت چندانی ندارد و تفاوت‌ها در نوع بیان ارزش‌ها است. البته طبیعتاً با توجه به رویکرد کیفی پژوهش، ارزش‌های ارائه شده جنبه کل‌نگرانه علمی را در بر ندارد و مختص محدوده مورد مطالعه و وابسته به دانش و تجربیات مصاحبه‌شوندگان خواهد بود. اما دو دسته دوم ارزش‌ها در چارچوب حفاظت و تغییر کارشناسانه (حفاظت و بازآفرینی یکپارچه) به عنوان ارزش دیده نشده است. بلکه تنها حضور فیزیکی مردم فارغ از نوع ارتباط‌های بین فردی و ارتباط فرد با

مردم و سیاست‌های حفاظت و تغییر در دیدگاه آن‌ها و اولویت و فراوانی ارزش‌ها، معیارهای حفاظت و تغییر معماری تاریخی را می‌توان «حفظ گره‌های عاطفی بین انسان و فضا»، «حفظ ارتباط‌های بین فردی در فضا»، «حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی»، «تقویت گره‌های عاطفی مبتنی بر خاطرات گذشته» و «تقویت گره‌های عاطفی مبتنی بر ارتباط بین فردی» دانست. سه معیار اول، معیارهای سیاست حفاظت و دو معیار آخر، معیارهای سیاست تغییر از دیدگاه مردم را بیان می‌کند.

بر اساس سیاست حفاظت، معیار «حفظ ارزش‌های مترتب بر ارتباط عاطفی انسان و فضا»، معیار اصلی است و دو معیار دیگر زیرمعیارهای آن تلقی می‌شود. در صورتی که در نگرش کارشناسانه، معیار تعریف‌شده در راستای سیاست حفاظت، حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی (معنای فرهنگی) است که با حفظ ارزش‌های فضایی و معنای نمادین به عنوان زیرمعیار، رعایت خواهد شد.

همچنین بر اساس سیاست تغییر و اهداف آن در نگرش مردم می‌توان «تقویت گره‌های عاطفی» را به عنوان معیار اصلی سیاست تغییر و دو معیار «تقویت گره‌های عاطفی مبتنی بر خاطرات گذشته» و «تقویت گره‌های عاطفی مبتنی بر ارتباط بین فردی» را به عنوان زیرمعیارهای آن عنوان کرد.

در مقابل این نگرش به تغییر که در آن توسعه ارتباطات انسانی در فضا - که به نوعی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی است - و تقویت ارتباط انسان و فضا - که به نوعی زیرمجموعه توسعه انسانی است - اولویت اول دارد، معیار اصلی تغییر در نگرش کارشناسانه، با اولویت دادن به توسعه اقتصادی، سرزندگی اقتصادی است.

الف - «حفظ گره‌های عاطفی بین انسان و فضا»
حفظ گره‌های عاطفی به عنوان ارزش، وابسته به ارزش‌های فضایی و اجتماعی در فضا به عنوان زمینه‌ساز و مولد این گره‌ها می‌باشد. ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، ارزش‌های فضایی و ارتباط‌های بین فردی شکل گرفته در فضا نیز به عنوان ارزش‌های اجتماعی مطرح است. بنابراین حفظ این دو ارزش، منجر به حفظ گره‌های عاطفی می‌شود.

۱ - «حفظ ارتباط‌های بین فردی در فضا»
ارزشمند بودن ارتباط‌های بین فردی در فضا، در زمینه‌سازی آن‌ها برای ایجاد بخشی از گره‌های عاطفی انسان با فضا می‌باشد. این معیار از طریق حفظ ارتباط‌های بین فردی شکل گرفته در فضا رعایت می‌شود.

۲ - «حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی»
حفظ این ارزش‌ها در حفظ ارزش‌های مترتب بر فضا (کالبد و عملکرد)، معنای نمادین، خاطرات جمعی و حافظه تاریخی خلاصه می‌شود.

ب - «تقویت گره‌های عاطفی»
همان‌گونه که گفته شد این معیار، با رعایت دو زیرمعیار خود، سیاست تغییر معماری تاریخی را در نگرش مردم

در بر می‌گیرد.

تفاوت دیگر در مفهوم «ارزش روز» است. در ادبیات کارشناسانه، ارزش روز به عنوان کارکرد زمان حال معماری تاریخی در قبال سیاست‌های توسعه‌ای بازآفرینی و با محوریت ارزش اقتصادی تعریف می‌شود. در صورتی که مردم ارزش روز را کارکرد اجتماعی فضا در بسترسازی ارتباطات بین فردی در طول زمان و ایجاد عواطف ناشی از ارتباط شخصی با فضا و ارتباطات بین فردی تعریف می‌کنند.

۴-۳- سیاست‌های حفاظت و تغییر معماری تاریخی از دیدگاه مردم

بر اساس ارزش‌هایی که مردم برای معماری تاریخی قائل‌اند، اولویت‌های آن‌ها در بیان و فراوانی ارزش‌ها، اهداف اشاره‌شده در تغییرات احتمالی و ارزش‌های از دست‌رفته در تغییرات صورت گرفته، مشخص می‌گردد که ارزش‌های مترتب بر ارتباط عاطفی با فضا، اصلی‌ترین ارزش‌ها در راستای تمایل آن‌ها به حفاظت از فضا، محسوب می‌شود. ارزش‌های دیگر، بر اساس تأثیرشان بر ارتباط عاطفی و گره عاطفی که ایجاد می‌کنند، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. بنابراین، سیاست حفاظت معماری تاریخی در دید مردم، حفظ گره‌های عاطفی ایجادشده با فضا و بالتبع آن ویژگی‌های فضایی و اجتماعی مولد گره‌های عاطفی است. در صورتی که سیاست کلی حفاظت در نگرش کارشناسانه رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه، حفظ پتانسیل‌های معماری تاریخی (ارزش روز) در قبال سیاست‌های توسعه‌ای بازآفرینی است که بالتبع خود حفاظت ارزش‌های تاریخی و فرهنگی زمینه‌ساز این پتانسیل‌ها را به عنوان راهبرد در پی خواهد داشت.

همچنین بر اساس کدهای ارائه‌شده در دو سؤال مبتنی بر تغییر، سیاست تغییر مبتنی بر تجدید حیات فضا با کاربری گذشته خود و افزودن عملکردهای اجتماعی جدید به فضا است. البته همان‌گونه که در پاسخ‌ها اشاره شده است، هدف اصلی از تجدید حیات، بازگرداندن شرایط خاطره‌انگیز گذشته فضا است که حس عاطفی نوستالژی (Relph, 1976) را ایجاد می‌کند. سیاست تغییر در نگرش مردم، در راستای سیاست‌های حفاظت و تقویت کردن ارزش‌های روز (گره‌های عاطفی و ارزش‌های اجتماعی (ارتباط‌های بین فردی)) است. در مقابل سیاست تغییر در نگرش کارشناسانه، در راستای سیاست‌های توسعه‌ای بازآفرینی، بالفعل‌سازی ارزش روز فضا و یا به بیان دیگر، بالفعل‌سازی کارکرد معماری تاریخی در قبال سیاست‌های توسعه‌ای بازآفرینی است.

۴-۴- معیارهای حفاظت و تغییر فضاهای معماری تاریخی بر اساس دیدگاه مردم

بر اساس ارزش‌های معماری تاریخی اطلاق شده توسط

- تأمین خواهد کرد.
- ۱- «تقویت گره‌های عاطفی مبتنی بر ارتباط بین فردی» با توجه به اینکه بخشی از گره‌های عاطفی بین مردم و معماری تاریخی بر اساس ارتباط‌های بین فردی در فضا شکل گرفته است، از یک سو، ایجاد ارتباط‌های بین فردی جدید برای تقویت این گره‌ها تجویز می‌شود. از سوی دیگر، به دلیل آن که انگیزه اصلی مردم برای حفظ معماری تاریخی، وجود گره‌های عاطفی است، افزایش حضور مردم در فضا و بالتبع آن، افزایش احتمالی افرادی که ارتباط عاطفی با فضا برقرار خواهند کرد؛ منجر به تضمین بیش‌تر حفاظت از فضا خواهد شد.
- ۲- «تقویت گره‌های عاطفی مبتنی بر خاطرات گذشته» در نگرش مردم، این معیار زمانی به عنوان معیار تغییر تعریف می‌شود که معماری تاریخی عملکردی نداشته باشد و تجسم بخشی از خاطرات جمعی از فضا شکل نگیرد. در این صورت در راستای زنده نگه‌داشتن خاطرات و تقویت گره عاطفی «نوستالژی» نسبت به فضا، بازگرداندن عملکرد تاریخی فضا (تجدیدحیات) تجویز می‌شود.
- جدول ۳ معیارها و زیرمعیارهای حفاظت و تغییر معماری تاریخی در نگرش مردم را ارائه می‌کند.

جدول ۳: معیارهای حفاظت و تغییر معماری تاریخی در نگرش مردم

سیاست	معیار	معیار ثانویه	معیار ثالثیه
		حفظ ارتباط‌های بین فردی در فضا	-
حفاظت	حفظ گره‌های عاطفی بین انسان و فضا	حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی	حفظ کیفیت‌هایی مترتب بر کالبد و عملکرد فضا، معنای نمادین، خاطرات جمعی و حافظه تاریخی
تغییر	تقویت گره‌های عاطفی	تقویت گره‌های عاطفی مبتنی بر ارتباط بین فردی	ایجاد ارتباط‌های بین فردی جدید و افزایش حضور مردم
		تقویت گره‌های عاطفی مبتنی بر خاطرات گذشته	تجدید حیات فضا با کاربری و عملکردهای گذشته

۵. نتیجه‌گیری

معماری تاریخی در قبال سیاست توسعه‌ای بازآفرینی از خود بروز می‌دهد. به بیان دیگر، انگیزه کارشناسانه برای حفاظت از معماری تاریخی در زمان، به واسطه قراردادهای علمی و سیاست‌های توسعه‌ای برانگیخته می‌شود و در صورت تداوم کارکرد فضا در قبال سیاست‌های توسعه‌ای ادامه می‌یابد. اما انگیزه مردم برای حفاظت در صورت شکل‌گیری گره‌های عاطفی بین آن‌ها و فضا (ارزش روز در نگرش مردم) و تداوم آن، شکل گرفته و تداوم می‌یابد. تفاوت در مفهوم ارزش روز و انگیزه برای حفاظت از معماری تاریخی در زمان، تفاوت‌های دیگر در تعریف سیاست‌های حفاظت و تغییر، تعریف معیارها و اولویت‌های آن‌ها را ناشی می‌شود. به گونه‌ای که در نگرش مردم، تغییر برای حفاظت و تقویت گره‌های عاطفی به عنوان ارزش روز و برعکس آن، در نگرش کارشناسانه موجود، حفاظت برای تغییر و بالفعل کردن فرصت‌های معماری تاریخی در قبال سیاست توسعه‌ای بازآفرینی به عنوان ارزش روز، سیاست‌گذاری می‌شود. بالتبع این سیاست‌ها نیز معیار اصلی حفاظت و تغییر در نگرش مردم نگهداشت گره‌های عاطفی و تقویت آن، و در نگرش کارشناسانه، معیار اصلی توسعه اقتصادی و حفظ فرصت‌های ناشی از فضای معماری

بر اساس پژوهش صورت‌گرفته، تفاوت‌های اساسی بین نگرش مردم و نگرش کارشناسانه کنونی برای تعریف و اعمال حفاظت و تغییر معماری تاریخی وجود دارد. این تفاوت‌ها در ارزش‌های اطلاق‌شده به معماری تاریخی، سیاست‌های حفاظت و تغییر و معیارهای آن‌ها مشهود است.

با این که تفاوتی در کلیت ارزش‌های تاریخی و فرهنگی معماری تاریخی بین مردم و کارشناسان وجود ندارد اما طبیعتاً ارزش‌های بیان شده توسط مردم مختص محدوده مورد مطالعه و وابسته به دانش و تجربیات مردم خواهد بود و جنبه کل‌نگرانه علمی را در بر ندارد. اما تفاوت اساسی از تعریف مفهوم ارزش روز شکل می‌گیرد. این ارزش انگیزه حفاظت از معماری تاریخی در زمان است. در نگرش مردم، ارزش روز به عنوان اصلی‌ترین ارزش فضا، تعاملات انسانی با فضا و در فضا را شامل می‌شود. در صورتی که در نگرش کارشناسانه این تعاملات جایگاه خاصی ندارد. حتی روح مکان به عنوان ارزش ناشی از ارتباط انسان و فضا، داشته فضا تلقی شده است. بر خلاف تعریف مردم از ارزش روز، ادبیات کارشناسانه ارزش روز را فرصت‌هایی می‌داند که

تاریخی را با توجه به تأثیرات زمان معاصر و تعاملاتشان با آن تعریف می‌کنند - که بر اساس اطلاعات و خاطرات جمعی، در گذشته نیز انسان‌هایی با آن تعاملاتی داشته‌اند - و به خاطر «عواطفی» که بین آن‌ها در زمان معاصر شکل گرفته است، به حفاظت از آن می‌پردازند.

تاریخی است. به بیان دقیق‌تر، در ادبیات کارشناسانه کنونی، معماری تاریخی محصولی از گذشته پنداشته می‌شود که بدون در نظر گرفتن تأثیرات زمان و تعاملات انسان معاصر با آن، می‌توان از آن به خاطر فرصت‌هایی که از داشته‌هایش بروز می‌دهد، برای اهداف توسعه‌ای - که «نیاز» انسان و زمان آینده پنداشته می‌شود - استفاده نمود. اما مردم معماری

پی‌نوشت

1. Integrated Conservation and Regeneration

2. Place Identity

۳. Spirit of Place: روح مکان بر روی کاراکترهای منحصر به فرد و حس‌های ویژه مکان که از محیط کالبدی و فعالیت‌های صورت‌گرفته در آن منتج می‌شود، تأکید دارد و تمام ارزش‌های فضایی و نمادین در طبیعت یا محیط مصنوع را در بر می‌گیرد (Norberg-Schultz, 1980; Jiven & Larkham, 2003, p. 70).

4. Economic Vitality

5. Public Participation

۶. میزان سکونت نیز برای شرکت افرادی که بیش‌ترین تعامل را با فضاهای معماری تاریخی داشته‌اند و ارتباط‌های عاطفی عمیق‌تری خواهند داشت (Hay, 1998; Lewicka, 2010; Kaltenborn & Williams, 2002; Nielsen-Pincus et al., 2010; Kelly & Hosking, 2008)، در نظر گرفته شده است.

۷. به طور مثال، نفر سوم در اولویت که خانمی ۶۸ ساله بود، در زمان مقرر حاضر نگردید.

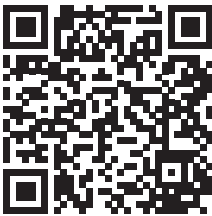
۸. این حالت زمانی رخ می‌دهد که داده بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگ‌تر شدن یا اضافه شدن به داده‌های موجود گردد، به پژوهش وارد نشود (Cohen, Manion, & Morrison, 2007).

۹. در مصاحبه‌های صورت‌گرفته، فضای معماری که بدون تبدیل در زمان معاصر مصاحبه‌شونده، کاربری مسکونی خود را حفظ کرده است، مورد استناد قرار نگرفته است.

فهرست منابع

- براندی، چزاره. (۱۳۹۱). *نظریه‌های مرمت (پیروز حناچی) [چاپ سوم]*. تهران: دانشگاه تهران.
- پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۴). ارزش‌های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان. *بانج نظر*، (۳۵)، ۳۹-۵۲. http://www.bagh-sj.com/article_11716.html
- حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۳). *احیای بافت شهری تاریخی با رویکرد مشارکت [چاپ دوم]*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حناچی، پیروز و فدایی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی-تاریخی. *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، (۴۶)، ۱۵-۲۶. https://jfaup.ut.ac.ir/article_25057.html
- رابرتز، پیتر و سایک، هیو. (۱۳۹۳). *بازآفرینی شهری؛ یک کتاب راهنما (محمدسعید ایزدی و پیروز حناچی)*. تهران: دانشگاه تهران.
- رادول، دنیس. (۱۳۹۳). *حفاظت و پایداری در شهرهای تاریخی (پیروز حناچی و یلدا شاه‌تیموری)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحیم‌زاده، محمدرضا و نجفی، مهنام. (۱۳۸۹). جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیاء. در *مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی (۲۴۱-۲۷۲)*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صندوق احیاء و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی. <https://b2n.ir/e29411>
- صحرانورد، مهشید و ایزدی، محمدسعید. (۱۳۸۳). *حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟ فصلنامه آبادی*، (۴۵)، ۱۲-۲۱. magiran.com/p1488255
- طالبیان، محمدحسن. (۱۳۸۴). *نقش مفهوم اصالت محوطه‌های میراث جهانی، تجاری از دوراوتنش برای حفاظت مبتنی بر اصالت*. رساله دکتری. گروه معماری. دانشکده معماری. پردیس هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
- فدایی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۱). *اصول و معیارهای حفاظت و توسعه یکپارچه در مجموعه‌های معماری تاریخی؛ مطالعه موردی: میدان کهنه اصفهان و میدان امیرچخماق یزد*. رساله دکتری. گروه معماری. دانشکده معماری. پردیس هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
- لوفور، هانری. (۱۳۹۵). *تولید فضا (محمود عبدالله‌زاده)*. چاپ دوم. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- یوکیلهتو، یوکا. (۱۳۹۴). *تاریخ حفاظت معماری (دکتر محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری)*. چاپ دوم. تهران: انتشارات روزنه.
- Altrock, U., & Schoon, S. (2013). Urban villages as local economic clusters: the case of the Zhongda cloth market in Guangzhou. In F.L. Wu, F.Z. Zhang & C. Webster (Eds). *Rural migrants in urban China*. London: Routledge.
- Ashworth, G., Graham, B., & Tunbridge, J. (2007). *Pluralising Past: heritage, Identity and Place in Multicultural Societies*. London: Pluto.
- Banning, E. B. (2002). *Archaeological survey*. London: Kluwer Academic/ Plenum Publishers.
- Carmona, M., De Magalhaes, C., & Natarajan, L. (2016). *Design Governance: The CABA Experiment*. New York: Routledge.
- Casais, B., Monteiro, P. (2019). Residents' involvement in city brand co-creation and their perceptions of city brand identity: a case study in Porto. *Place Brand Public Diplomacy*, (15), 229-237. <https://link.springer.com/article/10.1057/s41254-019-00132-8>
- Chong, K. Y., & Balasingam, A. S. (2019). Tourism sustainability: economic benefits and strategies for preservation and conservation of heritage sites in Southeast Asia. *Tourism Review*, 74(2), 268-279. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/TR-11-2017-0182/full/html>
- Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2007). *Research methods in education*. 6th ed. London, New York: Routledge.
- Department of Communities and Local Government. (2009). *Guidance on building a local sense of belonging*. <http://www.tedcandle.co.uk/publications/042%20building%20a%20local%20sense%20of%20belonging%20DCLG%202009.pdf>
- Doratli, N., Hoskara, S. O., & Fasli, M. (2004). An analytical methodology for revitalization strategies in historic urban quarters: a case study of the walled city of Nicosia, North Cyprus. *Cities*, 21(4), 329-348. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0264275104000514>
- English Heritage. (1998). *Conservation-led Regeneration: The Work of English Heritage*. London: English Heritage.
- English Heritage. (2000). *Government Review of Policies Relating to the Historic Environment*. London: English Heritage.
- English Heritage. (2008). *Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment*. London: English Heritage.
- Feilden, B., & Jokilehto, J. (1993). *Management Guidelines for world Cultural Heritage Sites*. Rome: ICCROM.
- Francaviglia, R. V. (1978). Xenia Rebuilds: Effects of Pre-disaster Conditioning on Post-disaster Redevelopment. *Journal of the American Institute of Planners*, 44(1), 13-24. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01944367808976873>
- Hay, R. (1998). Sense of place in developmental context. *Journal of Environmental Psychology*, 18(1), 5-29. https://www.researchgate.net/publication/240444067_Sense_of_Place_in_Developmental_Context

- Kaltborn, B. P., & Williams, D. R. (2002). The meaning of place: Attachments to Femundsmarka National Park, Norway, among tourists and locals. *Norsk Geografisk Tidsskrift - Norwegian Journal of Geography*, 56(3), 189-198. https://www.fs.fed.us/rm/pubs_other/rmrs_2002_williams_d001.pdf
- Kelly, G., & Hosking, K. (2008). Nonpermanent Residents, Place Attachment, and "Sea Change" Communities. *Environment and Behavior*, 40(4), 575-594. <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.505.5634&rep=rep1&type=pdf>
- Lewicka, M. (2010). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 35-51. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.05.004>
- Li, J., Krishnamurthy, S., Roders, A. P., & Wesemae, P. (2020). Community participation in cultural heritage management: A systematic literature review comparing Chinese and international practices. *Cities*, 96, Article 102476. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102476>
- Lipovac, N., Nikolić, G., Popović, S., & Gradečki, N. (2019). Planning as a Function of Preserving the Identity of Place. In M. Obad Šćitaroci, B. Obad Šćitaroci & A. Mrda (Eds). *Cultural Urban Heritage*. The Urban Book Series. Springer. <https://www.springerprofessional.de/en/planning-as-a-function-of-preserving-the-identity-of-place/16425362>
- Nanda, G., & Khare, A. (2018). Spatial Mapping of People-Place Ties as an Integral Part of Heritage Management Process. *Journal of Heritage Management*, 3(2), 192-208. <https://doi.org/10.1177/2455929618807984>
- Nasar, J. L. (2011). Environmental Psychology and Urban Design. In T. Banerjee & A. Loukaitou-Sideris (Eds). *Companion to urban design*. Abingdon: Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780203844434-23/environmental-psychology-urban-design-jack-nasar>
- Nielsen-Pincus, M., Hall, T., Force, J. E., & Wulfhorst, J.D. (2010). Sociodemographic effects on place bonding. *Journal of Environmental Psychology*, 30(4), 443-454. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.01.007>
- Norberg-Schultz, Ch. (1980). *Genius loci: towards a phenomenology of architecture*. New York: Rizzoli.
- Pedeliento, G., & Kavaratzis, M. (2019). Bridging the gap between culture, identity and image: a structurationist conceptualization of place brands and place branding. *Journal of Product & Brand Management*, 28(3), 348-363. <https://doi.org/10.1108/JPBM-01-2018-1735>
- Pendelbury, J. & Strange, I. (2011). Urban conservation and the shaping of the English city. *Town Planning Review*, 82(4), 361-392. <https://www.jstor.org/stable/27976011>
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Simakole, B. M., Farrelly, T. A., & Holland, J. (2019). Provisions for community participation in heritage management: case of the Zambezi Source National Monument, Zambia. *International Journal of Heritage Studies*, 25(3), 225-238. <https://doi.org/10.1080/13527258.2018.1481135>
- Smith, L. (2006). *Uses of Heritage*. London: Routledge.
- Srijuntrapun, P., Fisher, D., & Rennie, H. G. (2017). Assessing the sustainability of tourism-related livelihoods in an urban World Heritage Site. *Journal of Heritage Tourism*, 9, 1-16. <https://doi.org/10.1080/1743873X.2017.1373779>
- Stovel, H. (1995). Considerations in Framing the Authenticity Question for Conservation. In *Proceedings of the Nara Conference on Authenticity in relation to the World Heritage Convention*. https://www.icrom.org/sites/default/files/publications/2020-05/convern8_01_hstovel_ing.pdf
- Stovel, H. (2007). Effective use of authenticity and integrity as world heritage qualifying conditions. <http://www.ceci-br.org/novo/revista/docs2007/CT-2007-71.pdf>
- Winter, T. (2014). Beyond Eurocentrism? Heritage conservation and the politics of difference. *International Journal of Heritage Studies*, 20(2), 123-137. <https://doi.org/10.1080/13527258.2012.736403>

<p>نحوه ارجاع به این مقاله</p> <p>پورسراجیان، محمود، عینی‌فر، علیرضا و حناچی، پیروز. (۱۴۰۱). تفاوت نگرش مردم با کارشناسان نسبت به حفاظت و تغییر معماری تاریخی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۵(۳۸)، ۱۵-۲۶.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2020.201207.1986</p> <p>URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_152309.html</p>	
<p>COPYRIGHTS</p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p>http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</p>	